

دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را با هم همراه می کند. علم را می آموزد و جهت گیری علم را از اخلاق و ایمان می گیرد.

۱۳۸۴/۱۰/۲۹

جامعه ی اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی قم

سال دوم شماره ۱۵

شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۳

صحبتی با سرپرست محترم دانشگاه

## بازی آخر؟!



یکی از شعارهایی که آقای دکتر روحانی از انتخابات ریاست جمهوری بسیار بر آن تاکید داشت بحث پوپولیستی بودن آقای احمدی نژاد بود. این بحث یعنی آنکه کاری انجام دهی که گویی در طرفداری کردن یا طرفداری نشان دادن از حقوق و علایق مردم عامه در جامعه هستی. البته آقای دکتر روحانی نیز خود مروج پوپولیستی هستند و البته باید گفت تفاوت آنچه ایشان در تلاش بود نمایان کند تا آنچه واقعیت داشت حقیقتی است که در سفر اخیر ایشان به قم و سفر آقای احمدی نژاد چند روز قبل تر به این شهر مقدس بود.

واقعیت این جا بود که جمعیت مردم بدون هیچ تبلیغی برای حضور آقای احمدی نژاد در قم صف کشیدند و درست چند روز بعد از آن دکتر روحانی با جمعیتی رو به رو شد که حتی نصف سخن حضرت معصومه پر نشد!!! این یعنی کسی مثل احمدی نژاد عقبه ی مردمی دارد اما رییس جمهور روحانی با روش سیاسی پوپولیستی در تلاش برای رسیدن به عقبه ی مردمی است.

دانشگاه صنعتی قم در آستانه ی سفر ریاست محترم جمهور به قم، علی رغم آنکه بخشی از دانشجویان را با وعده های تشکل های دولتی شده تبدیل به سپاه لشکر نمود و باز علی رغم آنکه تلاش خود را کردند تا استقبال کنند برای رییس جمهور جمع آوری کنند! اما هیچ تقدی به این دانشگاه نشد.

حال با این وضعیت سیاست زده، آیا وقت آن نشده است که خودمان به فکر خودمان بیاییم؟!

در دانشگاهی که پول بیت المال هزینه ی اتوبوس استقبال و بنر می شود اگر همین هزینه صرف مسائل فرهنگی و البته خاص تقویت انجمن های علمی می گردید، آیا این دانشگاه در گذر زمان و با استعداد های نهفته ی در آن تبدیل به یک دانشگاه با کیفیت مطلوب علمی نمی گردید؟

دانشگاه صنعتی قم، بر خلاف آنچه بسیاری می پندارند که بدترین دانشگاه این سرزمین است اما ظرفیت های بسیاری دارد که اگر مدیریت آن دقیق باشد می تواند خود کمک کننده به رشد این دانشگاه باشد.

از مهم ترین اقداماتی که احساس می شود یک مدیر در مجموعه ی دانشگاه از دید دانشجویان باید بدان توجه جدی داشته باشد: رفاه نسبی، آسودگی تحصیل، شنیدن صدای انتقاد و احساس افتخار به دانشگاهی که در آن تحصیل می کند است.

این دانشگاه بدون وجود خوابگاه رسمی برای خود این مشکل را به وجود آورده است که هر ترم یا هر سال با افزایش قیمت خوابگاه رو به رو می شود. درست است که دانشگاه خوابگاه ندارد و استیجاری است، اما تعریف دانشگاه در نظر دوستان چیست؟

رسیدگی به مسئله ی تنذیه ی دانشجویان مهم ترین امری است که هر از گاهی شاهد آنیم که کم کاری هایی از سوی پیمانکاران صورت می گیرد. آیا حق دانشجو نیست که فعالیت های صورت گرفته را بداند؟! برخوردی صورت گرفته یا با تسامح و تساهل مسئله ای پیش رفته است؟

وقتی یک تشکل دانشجویی چون جامعه ی اسلامی دانشجویان در دانشگاه صنعتی قم اقدام به انتشار نتایج نظر سنجی خویش در خصوص عملکرد معاونت آموزشی در خصوص انتخاب واحد می کند، چه توضیحی از سوی مجموعه ی دانشگاه به دانشجویان ارائه می شود. آیا نه اینکه باید مسئولین پاسخگوی انتقادات دانشجویان باشند؟

شاید بتوان به عنوان پیشنهاد تقاضا کرد! که ضمن حل مشکلات اساسی چون خوابگاه، تنذیه به تقویت جدی انجمن های علمی بپردازند. انجمن های علمی در دانشگاه ها موتور محرک در هر دانشگاهی محسوب می شوند. هر میزان که تشکل های دانشجویی به فرهنگ سازی و نیرو سازی تراز انقلاب مشغول باشند اصل حضور در دانشگاه بعد علمی آن است که انتظارات به تقویت این انجمن های علمی و تمرکز هیئت علمی دانشگاه بر کار پژوهشی و تحقیقاتی است.

چگونه است که دانشگاهی چون آزاد قزوین علی رغم آنکه دولتی نیست اما آوازه ی علمی بسیاری دارد اما دانشگاه صنعتی قم علی رغم نزدیکی به تهران و مراکز استانی خاص دیگر حرکت علمی خاصی از آن مشاهده نمی شود و یا به اطلاع دانشجویان نمی رسد. حضور در کنار دانشجویان و احساس حس نزدیکی امری است که خواستار استمرار آن هستیم. چقدر زیبا می گردید که حل مسأله ای که در این یادداشت آمده بود و یا مسئولین مطلع هستند بازی باخت دانشجویان را به برد برد دانشجویی، مسئولین تبدیل می کرد.

در آستانه انتخاب ریاست مجلس خبرگان

## احساس تکلیف آیت...؟!



چندی پیش در حاشیه هفتمین کنگره حزب حاما، قدرتاله علیخانی مشاور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در جمع خبرنگاران در پاسخ به این پرسش که آیا آیتالله هاشمی برای انتخابات هیأت رئیس مجلس خبرگان کاندیدا می شود، یا خیر، اظهار داشت: آیتالله هاشمی گفته اند که اگر احساس تکلیف کنم می آیم و بیشتر از این نیز من اطلاعی ندارم.

در جایی دیگر، حجت الاسلام هاشم زاده هریسی، عضو مجلس خبرگان رهبری از نامه برخی نمایندگان مجلس خبرگان برای دعوت از آیت... هاشمی رفسنجانی جهت کاندیداتوری در انتخابات هیات رییس مجلس خبرگان اظهار بی اطلاعی کرد.

در همین راستا آیت الله موحدی کرمانی دبیر کل جامعه روحانیت مبارز در حاشیه اجلاس سراسری جبهه پیروان خط امام و رهبری در خصوص

به بهانه اعلام آمار از سوی رییس جمهور

## تجربه نا تمام

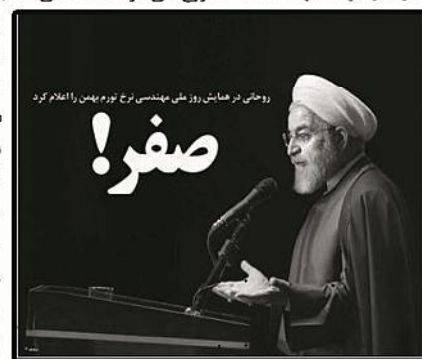
در هشت سال دوران دولت احمدی نژاد، یکی از انتقاداتی که عموماً به وی و دولتش می شد و اغلب هم حالت تمسخر به خود می گرفت، آماری بود که رئیس دولت می داد؛ آمارهایی که گاه با آمار دیگر مردان اقتصادی دولتش در تضاد بود. عمده این نقدها هم از سوی کارشناسانی صورت می گرفت که آن زمان در بیرون از دولت بودند و اکنون بر مصدر قدرت نشسته اند.

اکنون ماههاست که دولت احمدی نژاد، مسند قدرت را ترک کرده است، ولی «بازی آمار» همچنان ادامه دارد. رئیس جمهور آماری می دهد، منتقدان انتقاد می کنند و دولتمردان برای پاسخگویی، از انواع روش های محاسبه تورم می گویند.

تاریخ نزدیک کشور همچنان تکرار می شود. تفاوتی که آمار دوران احمدی نژاد داشت، این بود که آمارهای او با حمله بیشتری مواجه می شد و کمتر او و دولتش منتقدان را بی اطلاع خطاب می کردند. همه این مطالب اما حاشیه است. نکته اینجاست که چرا مردم آمارهای مسئولان را باور نمی کنند؟

عده ای معتقدند که بالاخره آمارهایی چون کاهش تورم باید خود را در زندگی مردم نشان دهد و مردم این کاهش تورم را لمس کنند!

در یکی از مناظرات انتخاباتی سال ۸۸، وقتی آقای احمدی نژاد ادعای کاهش تورم را مطرح کرد، یکی دیگر از کاندیداهای ریاست جمهوری اظهار داشت، اگر تورم کاهش یافته بود، حتی ننه جون او هم می توانست کاهش تورم را حس کند! و بدین وسیله، صحت های ادعاهای احمدی نژاد را زیر سؤال برد. صرفاً اشاره ای بود تا مشخص شود منتقدان دولت

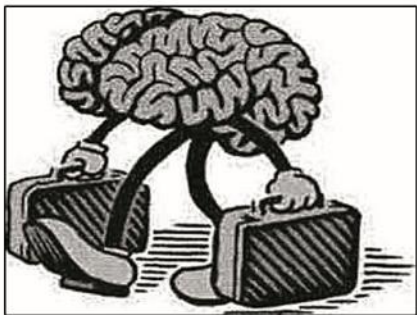


روشنی در همایش روز ملی مهندسی ترخ تورم بهمن را اعلام کرد

صفر!

پرونده بررسی فرار مغزها

## مهاجرت نخبگان



مهاجرت نخبگان، پدیده ای است که پیش از انقلاب نیز وجود داشته است. این پدیده در دهه ی چهل شدت یافته و تاکنون نیز ادامه دارد. از نظر تاریخی برخی این پدیده را به سه دسته تقسیم کرده اند:

۱- از دهه ی چهل تا پیروزی انقلاب؛ ۲- از پیروزی انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی؛ ۳- پس از جنگ تحمیلی

آمریکا، کانادا و اروپا مقصد بیشتر مهاجران ایرانی و در این بین آمریکا ابرزترین جذب کننده ی مغزهای ایرانی است.

طبق اطلاعات مندرج در فضای مجازی آمار مربوط به مهاجران ایرانی در آمریکا به قرار زیر است:

- تعداد دانشجویان ایرانی در آمریکا از ۹۹۷ نفر در سال ۱۳۳۹ به ۴۸۳۲ نفر در سال ۱۳۵۲ رسید.
- تعداد تحصیل کردگان ایرانی در آمریکا در سال ۱۳۵۲، ۹۶۳۲ نفر بوده است. (۷۱٪ در مقطع کارشناسی، ۲۲٪ کارشناسی ارشد و ۷٪ دکترا و تخصص)
- در سال ۱۳۷۲، حدود ۲۴۰۰۰ متخصص ایرانی مقیم آمریکا بوده اند. (۱۸۶۲ عضو هیئت علمی)

و اما علت مهاجرت نخبگان...؟ فرار یا شکار...؟

در بحث علل مهاجرت نخبگان دو رویکرد کششی و رانشی وجود دارد؛ در رویکرد کششی، خروج نخبگان بیشتر معلول عوامل جاذبه ای است که در زمینه های مختلف در کشورهای توسعه یافته یا مهاجرپذیر وجود دارد. طرفداران این رویکرد که اغلب دیدگاه های دولتی و ایدئولوژیک دارند، با کم رنگ جلوه دادن عوامل درونی، عوامل بیرونی را عمده می سازند و آن را عامل اینگونه مهاجرت ها میدانند. این رویکرد اغلب در کشورهای رواج خاصی دارد که دارای سوابق حاکمیت ایدئولوژیک اند و همچنین کشورهایی که دارای افکار بنیادگرایانه و تمامیت خواهانه هستند. طرفداران این رویکرد ضمن اظهار ضعف نسبت به ایجاد نشدن شرایط مشابه، نخبگان خود را به بی تعهدی و گاه حتی به سرسپردگی به بیگانگان متهم میکنند و با تاکید بیش از حد نسبت به این عوامل از عوامل درونی زای رانشی غافل می مانند به نحوی که این گونه غفلت ها مانع از ارائه ی راهکارهای بنیادی جهت حل این معضل میشود.

در رویکرد رانشی، انگیزه و علت مهاجرت ها را که عمدتاً نام "فرار مغزها" به خود میگیرد، بیشتر باید در مسائل داخلی جستجو کرد. طرفداران این نظریه که غالباً اندیشمندان مباحث مهاجرت و متخصصان مسائل نیروی انسانی در کشورهای توسعه یافته هستند، بر این باورند که به دلیل نبود درک صحیح از نقش معجزه آسای علم در حل مسائل و معضلات جامعه و در نتیجه کم بها دادن به آن و تولیدکنندگان آن در اینگونه کشورها نه تنها اراده ای برای برنامه ریزی صحیح علمی و آموزشی وجود ندارد، بلکه حتی حرکت درون زای این قبیل از نخبگان را در انداختن طرحی نو در ایجاد یوایی در نظام علمی و آموزشی، با ندانم کاری و توهم توطئه، عقیم می سازند. طبیعتاً این مقاومت های منفی نیروی رانشی عظیمی را در سطح جوامع آنها ایجاد میکند و به این ترتیب زمینه های عینی و ذهنی را برای فرار و گاه حتی اخراج مغزها ایجاد میکند.

پدیده ای است که علت مهاجرت نخبگان تلفیقی از عوامل رانشی و کششی است و استناد مطلق به هر یک از این دو رویکرد و بی توجهی به ایجاد رویکرد دیگر باعث اشتباه در یافتن راهکارهای عملی در برابر این پدیده میشود.

البته نظریه های دیگری که کم و بیش به دو رویکرد قبلی شباهتی دارند نیز وجود دارد مثل نظریه ی اقتصادی و نئوکلاسیک، نظریه ی اقتصادی خانوار و نظریه ی سیستم جهانی ...

در نظریه ی اقتصادی و نئوکلاسیک، فرمول عرضه و تقاضا که در امور اقتصادی رایج است محور تحلیل قرار میگیرد و در واقع تفاوت جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار باعث مهاجرت میشود.

در نظریه ی اقتصاد خانوار، به علت نبود نهادهایی همچون بازار بیمه، بازار سرمایه و سایر بازارهای مدرن تصمیم به مهاجرت در جهت حفظ منافع فرد و نیز منافع کل خانوار شکل میگیرد.

در نظریه ی سیستم جهانی، کشورهای صنعتی هسته ی اصلی و کشورهای دیگر محیط لحاظ میشوند و طبیعی است که با توجه به قدرت جذب و نفوذ بخش مرکزی، منابع، از جمله منابع انسانی جذب این هسته میشوند؛ مثل کشور فرانسه و مستعمره های سابق آن در افریقا

از جمله ی عوامل داخلی که فرار مغزها را تشدید میکند میتوان به سه محور اصلی زیر اشاره کرد:

۱. عوامل سیاسی واجتماعی، ۲. عوامل علمی و فرهنگی، ۳. عوامل اقتصادی

در شماره های آتی نشریه در مورد هر یک از این سه محور به تفصیل بحث خواهد شد.



